

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

محمد جعفری
۱۸ جون ۲۰۲۰



الهام و یا اشاره گرفتن خمینی در طرح ولایت فقیه

۲

بقائی و خمینی در چهارچوب قانون اساسی و کودتا هم خط و همگام

بقائی یکی از عوامل انگلیس ها بود که به امریکائی هم وصل شده بود و در طول دوران حکومت مصدق و بعد از آن با امریکائی ها در رابطه بوده است. بقائی خود را شخصیتی جهانی و قدرتمند و کسی که باید نخست وزیر ایران شود می دانست و به کمتر از نخست وزیری راضی نبود و بر اساس آن برنامه ریزی می کرد و به همین علت با زاهدی و امریکائی ها همدست می شود. حزب زحمتکشان و بقائی از همان اوایل حکومت مصدق از کمک مالی امریکائی ها برخوردار بوده و برای راه گم کردن با اطلاع امریکائی ها علنی به آنها انتقاد می کرده است. دکتر سپهبدی نماینده بقائی در تاریخ 15 دسمبر (24/9/1330) در همان سال اول نخست وزیری مصدق به سفارت امریکا می گوید:

"آقای دکتر بقائی رهبر حزب کارگران، ضروری تشخیص داده است که به طور آشکار و علنی علیه ایالات متحده امریکا اظهار نظر کند. آقای سپهبدی معتقد است که اگر دکتر بقائی طور دیگری رفتار می کرد توده های مردم داستانهای درج شده در مطبوعات را که گفته می شود تحت الهام کمونیستها است، باور می کردند که سفارت ایالات متحده امریکا در تهران کمک مالی به این حزب کرده و آن را تحت تشویق معنوی قرار می دهد" (14).

هندرسن سفیر امریکا در 31 مارچ 1953 سه شنبه 11 فروردین [حمل] 1332 به وزارت خارجه اطلاع می دهد که "تنها فرد باقی که قادر به جانشینی مصدق می باشد تیمسار زاهدی است. زاهدی از پشتیبانی رهبران سیاسی نظیر

کاشانی، حائری زاده، بقائی و برادران ذوالفقاری و همین طور سایر محافظه‌کاران و ارتش برخوردار است مگر نیز ممکن است از وی پشتیبانی نماید. زاهدی سه روز پیش به طور محرمانه از علاء دیدار نموده (15) "بقائی در دوران نهضت ملی شدن نفت، خود را جانشین مصدق تصور می‌کرد و برای تحقق بخشیدن به آرزوی دیرینه خود، در طراحی و توطئه‌ها علیه مصدق شرکت جست که از جمله شرکت در ربودن و قتل افشار طوس رئیس شهرستانی کل کشور، برای تصاحب پست نخست‌وزیری است (16) .

بعد از کودتای 28 مرداد [اسد] بقائی به زاهدی به چشم دولت محلّ و انتقالی نگاه می‌کرد و خود را جانشین واقعی مصدق می‌دید به همین علت در مذاکرات طولانی خود با هندرسون سفیر کبیر امریکا، بعد از کودتا، مطلب را با وی در میان گذاشته که هندرسون با استفاده از یک ضرب‌المثل فرانسوی بوی گوشزد کرده: "در موقع عبور از سیلاب اسبهای کالسکه را نمی‌شود عوض کرد. باید حوصله کرد که اوضاع به مسیر طبیعی بیفتد و به این نکات توجه شود. (17) "با وجودی که وی هیچ فرصتی را برای نخست وزیر شدن از دست نمی‌دهد و برای نخست وزیری به هر قیمتی از پا نمی‌نشیند وزارت خارجه امریکا، در آذر [قوس] 1337 به سفارت گزارش کرده که "بقائی جاه طلب، هدفش را بر روی کمتر از نخست‌وزیری تنظیم نکرده است... اگر چه فرصت طلب و زیرک است، شاهی برای احتمال وقوع چنین چیزی وجود ندارد (18) " .

همچنان که در قسمت اول این پژوهش آمد، خمینی تا نهضت 15 خرداد [جوزا] 42 و زندانی و بعد تبعید و رفتن به نجف به ولایت فقیه معتقد نبوده و خواسته و ایده آتش اجرای قانون اساسی است. با بقائی که او هم در چهارچوب قانون اساسی در صدد دست یافتن به پست نخست وزیری بود، با خمینی هم خط و هم گام می‌بود و بنابر این علت همراهی و همگامی بقائی با روحانیون طرفدار کاشانی بهبهانی و بعد هم خمینی همراه داشتن حمایت آنها برای رسیدن به پست نخست وزیری است. در این جهت وقتی از سال 1341 حرکت روحانیت به رهبری خمینی شروع و منجر به نهضت 15 خرداد شد. خمینی حمایت حزب زحمتکشان و بقائی را به همراه داشت. اما بقائی سعی می‌کرد که به نحوی در سایه و با به نعل و به میخ زدن عمل کند تا موقعیت برایش فرا برسد: "دکتر بقائی گفت مبارزه را عده ای از طبقات روحانی شروع کرده اند. ما اگر دخالت کنیم علاوه بر این که آن ها را سست خواهیم نمود و باعث رکود مبارزه آن ها خواهیم شد و ما نیز سوءاستفاده چی معرفی خواهیم شد که از مبارزه عده ای استفاده نموده و به نام خودمان تمام کنیم ما هرگز در این فکر نبوده و نخواهیم بود (19) " .

بقائی در جریان نهضت 15 خرداد [جوزا] 42 از خمینی طرفداری و حمایت کرد. بعد از دستگیری خمینی، اسدالله علم نخست و زیر در 17 خرداد [جوزا] گفت: " 15 ... نفر از بزرگترین پیشوایان مذهبی که در آشوب (15 خرداد. 42 ن) ضد دولتی این هفته در شهرهای مختلف دست داشته‌اند تسلیم محکمه نظامی خواهند شد و محکمه نظامی ممکن است معنای مجازات اعدام را داشته باشد... ولی ما رؤسای آنها را دستگیر کرده‌ایم" (20)

با توجه به مصاحبه فوق مظفر بقائی نامه سرگشاده‌ای در حمایت از خمینی و زمانی که هنوز وی مرجعیت عام پیدا نکرده بود، در تاریخ 15 تیر ماه [سرطان] 1342 خطاب به مراجع روحانی نوشت: " ... و از مرحوم آیت‌الله کاشانی اعلی‌الله مقامه الشریف در مبارزات مذهبی و سیاسی آن راد مرد مجاهد حمایت کامل کرده است... با مطالعه فتوای شجاعانه و عمیق حضرت آیت‌الله خمینی به این مضمون که "تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب ولو بلغ ما بلغ" تشخیص داد که شخص ایشان صلاحیت کامل مقام ریاست تامه شیعیان جهان را احراز کرده‌اند... کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ملت ایران برای اطلاعات از همین فتوای عالی لازم دانست نتیجه مطالعات و استنباطات خود را به

استحضار مراجع محترم تقلید و روحانیون عظام رسانده ... از لحاظ سایی وظیفه خود دانست مراتب ذیل را باین عده پیشنهاد نماید :

۱ - حضرت آیت الله خمینی به عنوان عالی ترین مرجع تقلید و شخص اول روحانیت به تمام مراجع داخلی و خارجی رسماً و بدون ابهام معرفی گردد .

۲ - کلیه تقاضاهای مختلفه به صورت شعار واحد یعنی اجرای کامل قانون اساسی و قوانینی که به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است منحصر گردد(21) "...

بعد از آزادی آقای خمینی باز هم حزب زحمتکشان با امضای دکتر بقائی در اعلامیه ای که حدود 32 صفحه بود تحت عنوان دفاع از آیت الله خمینی انتشار داد و از جمله نوشت: " ... اینک که توفیق انتشار آن پس از آزادی آیات عظام حاصل شد می خواستم به طور ضمنی به مسلمین جهان تبریک عرض کنم ولی متأسفانه پس از یک روز آزادی چون دولت تحمل استقبال مردم را نداشت آیات عظام را در منازل خود خلاف موازین قانونی محبوس کرد و اکنون در زندانهای نوع جدید دوره سازندگی می باشند(22) " .

آقای سیدجلال الدین مدنی با تمجید از بقائی از دکتر مصدق به دلیل بی تفاوت ماندن و حمایت نکردن از خمینی و نهضت 15 خرداد[جوزا]42 ، و در جریان کاپیتولاسیون تنقید کرده و در جلد دوم تاریخ معاصر خود، در رابطه با کاپیتولاسیون می نویسد: "نشریه ای مفصل با عنوان هست یا نیست؟ در همان زمان به امضای دکتر مظفر بقائی انتشار یافت و مصوبه مجلس را مورد سؤال قرار داد ... گرچه نوشته بقائی کوبنده مستدل و دقیق بود ولی نمی توانست تأثیر مهمی داشته باشد ... ولی به هر حال اقدام بقائی در مقایسه با سایر رجال سیاسی پر ادعا که سکوت داشتند قابل توجه است (23) " .

بی مناسبت نیست که در همین جا برای اطلاع خوانندگان چند نکته ای در مورد دو جلد کتاب "تاریخ سیاسی معاصر ایران" را که آقای دکتر سیدجلال الدین مدنی تألیف و تنظیم کرده و توسط "شورای تبلیغات اسلامی" انتشار پیدا کرده است یاد آور شود: از خلال تحلیلهای دو جلد تاریخ معاصر، چنین استنباط می شود که آقای مدنی خود از اعضای حزب زحمتکشان و یا حد اقل از علاقه مندان و پیروان خط کاشانی - بقائی و خمینی است و کتاب که در حقیقت در تبیین خط کاشانی - بقائی - خمینی تنظیم گردیده، دارای تحریفات تاریخی چندی در جهت تخریب مصدق و طرفداران وی و غلبه دادن خط کاشانی - بقائی بر خط مصدق است (24)

بقائی که به دنبال دست یافتن به پست نخست وزیری بود، از زمان حکومت مصدق و - همچنان که در بالا اسناد آن آمد - حتی قبل از آن با سفارت امریکا رابطه داشت و در هر مرحله ای متناسب با آن مرحله عمل می کرد:

۱ - شکستن جبهه داخلی علیه مصدق و حمایت از کودتا

در کودتای 28 مرداد[اسد] "نیروهای بقائی در کنار چاقوکشان شعبان بی مخ قرار داشتند و طرفداران وی در شهرستانها نیز به فعالیت مشغول بودند . ناصر بقائی، پسر عموی او، نامه ای از طریق منصور رفیع زاده ارسال کرد و در آن از تظاهرات طرفداران بقائی در روز 28 مرداد[اسد] سخن گفت شبکه حزب زحمتکشان در تهران و شهرستانها، همراه با سازمان نظامی حزب، نقش مخرب ایفاء کردند که یکی از آنها قطعه قطعه کردن سخائی، رئیس شهربانی کرمان، بود (25) " .

و به پاس خدمات ،بقائی در کودتای 28 مرداد[اسد] به دریافت یک نشان رستخیز مفتخر گردید :

جناب آقای دکتر بقائی

به فرمان مطاع شاهانه به پاس فداکاریهائی که در قیام ملی 28 مرداد [اسد] ابراز داشته‌اید به اعطاء یک قطعه نشان رستاخیز درجه یک مفتخر می‌گردید (26)." .

و عبد الله شهبازی هم بدرستی آورده که "در ماجرای کودتای 28 مرداد 1332 [اسد] نیروهای دکتر مظفر بقائی از افرادی بودند که به خانه مصدق حمله بردند. آنان در عملیات کودتا نیز نقش فعال داشتند و به این دلیل مطبوعات پس از کودتا بقائی را یکی از رهبران "قیام ملی" علیه دولت دکتر مصدق عنوان کردند (27)." .

۲ - پیشنهاد به امریکائی‌ها در تهیه سیاست نفتی برای ایران:

سفارت امریکا در تاریخ 17 اکتوبر (5/8/ 1331) 1952 گزارش می‌کند که وابسته کارگری سفارت اخیراً با آقای دکتر بقائی رهبر حزب کارگران ایران و عضو برجسته جبهه ملی ملاقات کرده و مسائلی را مورد بحث و مذاکره قرار داده است. از جمله این که دکتر بقائی "مدعی است که با عزیمت انگلیسیها، امریکا فرصت خواهد داشت تا يك سیاست مستقل و روشن ببنانه نفتی برای ایران تهیه کند. او این موضوع را از لحاظ تأسیسات توزیع و پخش و به بازار رسانی نفت توصیف کرد (28)." .

۳ - راهکار پیشبرد سیاست امریکا در ایران

اسناد لانه جاسوسی، شماره 23 توصیه های بقائی به امریکائی‌ها در مورد مسائل ایران و نحوه درگیری امریکائی‌ها با آن مسائل و نیز توضیح علت بعضی از مواضع آقای دکتر بقائی نسبت به امریکا را در بر می‌گیرد. در زیر به دو نمونه از این اسناد و گزارشها اشاره می‌شود. در تاریخ 15 دسمبر (24/9/1330) 1951 آقای دکتر سپهبدی در يك مذاکره حضوری به وابسته کارگری سفارت امریکا آقای سی. سی. نینچ اظهار می‌دارد:

"آقای دکتر بقائی رهبر حزب کارگران، ضروری تشخیص داده است که به طور آشکار و علنی علیه ایالات متحده امریکا اظهار نظر کند. آقای سپهبدی معتقد است که اگر دکتر بقائی طور دیگری رفتار می‌کرد توده‌های مردم داستانهای درج شده در مطبوعات را که گفته می‌شود تحت الهام کمونیستها است، باور می‌کردند که سفارت ایالات متحده امریکا در تهران کمک مالی به این حزب کرده و آن را تحت تشویق معنوی قرار می‌دهد."

آقای سپهبدی معتقد است که به نفع روابط حسنه بین ایران و امریکا است که امریکا هدف حمله قرار گیرد، تا بدین ترتیب هر گونه امکان این که ایرانیان باور کنند که ایالات متحده پشتیبان حزب کارگران است رد شود (29).

و یا آقای دکتر بقائی و دستیارانش به مأموران امریکائی می‌گویند: آقای دکتر بقائی رهبر حزب زحمتکشان، ضروری تشخیص داده است که به طور آشکار و علنی علیه ایالات متحده اظهار نظر کند. آقای دکتر سپهبدی به مأمور سفارت می‌گوید:

"به نفع روابط حسنه بین ایران و امریکا است که امریکا هدف حمله قرار گیرد، تا بدین ترتیب هر گونه امکان این که ایرانیان باور بکنند که ایالات متحده پشتیبان حزب کارگران است رد بشود و یا به امریکا پیشنهاد می‌شد بعد از عزیمت انگلیس ها امریکا فرصت خواهد داشت که يك سیاست مستقل و روشن ببنانه نفتی برای ایران تهیه کند و یا در مورد تصویب لایحه مصونیت قضائی مستشاران نظامی امریکا در ایران، چون می‌داند که ملت ایران مخالف تصویب يك چنین تصویبنامه هائی بوده و هستند و علیه آن اعتراض خواهند کرد آقای بقائی به امریکائی‌ها می‌گوید که سرگرم تهیه رساله‌ای است علیه این تصویبنامه، ولی خطی را که او در مقابل امریکائی‌ها از آن دفاع خواهد کرد این خواهد بود که امریکائی‌ها به طور غیر معقولانه‌ای اجازه می‌دهند که این قانون به وجهه آنها و شهرت آنها در ایران لطمه بزند (30)." .

آنچه در مورد دکتر بقائی در اسناد لانه جاسوسی، شماره 23 آمده و دو نمونه آن اینجا نقل شد اگر چه از نظر تاریخی مهم است که معلوم شود آقای دکتر بقائی و یا همکاران و دستیاران وی نظیر دکتر سپهبدی و یا ... رسماً جاسوس و عامل امریکا و انگلیس بوده‌اند یا خیر؟ اما مهمتر از این آن است که چگونه می‌شود، بهتر از این روش به يك دولت بیگانه جهت ارضای جاه‌طلبی‌های خود در جهت پیشبرد سیاست و اهدافشان به آنها خدمت کرد و به آنها راهنمایی و پیشنهاد داد. شما فکر می‌کنید کدام جاسوس و یا مشاور خودی بهتر از این پیشنهادها و راهنمایی‌ها را می‌توانست در مواقع مختلف نسبت به دولت مطبوع خودش امریکا در رابطه با آن وضعیتهای مختلف که دکتر بقائی و دستیارانش به دولت امریکا در رابطه با سیاست و پیشبرد اهدافشان داده‌اند، بدهد؟ به نظر من کار يك جاسوس و عامل خارجی در داخل يك کشور در مقایسه با روشی که حزب زحمتکشان و آقای دکتر بقائی و یارانش در رابطه با يك دولت خارجی و منافع آنها - امریکا و انگلیس - در پیش گرفته بودند، خیلی ناچیز است. زیرا يك جاسوس و یا عامل همیشه و در همه جا مورد سوء ظن است و مطرود و با هزاران ترس و لرز خبری گیر می‌آورد و یا عملی به نفع دولت خودش انجام می‌دهد. ولی با این روش که اینها در پیش گرفته بودند، در لباس ملیت، دفاع از منافع کشور، محبوبیت ملی، وطن خواهی و سیاست مستقل ملی و با محبوبیت و وجهه ملی، بهترین پیشنهادها و اطلاعات دست چین شده را در اختیار بیگانه قرار می‌داده‌اند.

در تاریخ 3 نومبر (8/12/ 1343) 1964 از يك منبع کنترل شده امریکائی (CAS) به رئیس بخش سیاسی در مورد آقای بقائی چنین گزارش می‌شود :

" ۱ - دکتر مظفر بقائی روز 11 آبان [عقرب] 1343 گفت که آیت‌الله خمینی در نطق مهمی در قم در روز 4 آبان وضعیت موافقتنامه و نیروها و همچنین موافقتنامه دویست میلیون دالری خرید اسلحه را که اخیراً از تصویب مجلس گذشته مورد حمله قرار داده است.

۲ - بقائی گفت که خود او سرگرم تهیه رساله‌ای است که به امضای خودش خواهد بود و طی آن او حکومت را به خاطر پشتیبانی و تصویب وضع موافقتنامه نیروها با ایالات متحده امریکا مورد حمله قرار خواهد داد. بقائی همچنین گفت که خطی را که او در مقابل امریکائیان از آن دفاع خواهد کرد این خواهد بود که امریکائیان به طور غیر معقولانه‌ای اجازه می‌دهند که این قانون به وجهه آنها و شهرت آنها در ایران لطمه بزند. بقائی همچنین گفت که او حاضر است به خاطر انتشار این رساله به زندان بیفتد ولی احساس می‌کند که برای او لازم است که ابتکاری در این زمینه به عمل آورد زیرا او انتظار دارد که دیگرانی که مخالف این موافقتنامه هستند نیز آن را مورد حمله قرار دهند. (31)"

بقائی بعد از کودتای 28 مرداد به این نتیجه رسیده بود که بدون موافقت و پشتیبانی امریکا به خواسته خود که نخست وزیری است نخواهد رسید، در این راستا طبق اسناد فوق، در شکستن جبهه داخلی علیه مصدق و حمایت از کودتا، و نشان دادن راهکار پیشبرد سیاست امریکا در ایران، هم با سفارت امریکا در تهران و هم از طریق منصور رفع زاده - که بعد با صلاح‌الدین بقائی به عضویت "سیا" در آمده - در امریکا با امریکائی‌ها همگام بوده است. بقائی از یکطرف برای رسیدن به معشوقه خود یعنی نخست وزیری می‌سوزد و کم کم به این نتیجه می‌رسد که به هر دلیلی شاه آمادگی نخست وزیری او را ندارد و از طرف دیگر به این واقعیت بیش از پیش پی می‌برد که روحانیون توان بالقوه و بالفعل بسیج مردم را در اختیار دارند، به احتمال قوی به این فکر افتاده که از طریق روحانیون به معشوقه خود دسترسی پیدا بکند به ویژه که روحانیون همگام با مشی کاشانی، بهبهانی و خمینی را هم به همراه دارد. در جریان نهضت خرداد 42 [جوزا] بنا به گزارش ساواک " بقائی مدعی بود که در آن شرایط بهترین فردی است که می‌تواند سگان کشتی طوفان زده را عهده دار گردد. سوابق او در زمینه دوستی با آیت الله کاشانی می‌توانست زمینه ای مساعد

برای وی فراهم کند. بقائی صراحتاً گفت تا آن روز بین مردم و هیأت حاکمه حائل بوده است، " بگذارید نباشم تا بدن ملت را سرنیزه هیأت حاکمه سوراخ کند (32) "

دکتر حسن آیت هم که از اعضای حزب زحمتکشان دکتر مظفر بقائی که بسیار هم به او نزدیک و در حکم دستیار و همکارش بود، وی را به این نیروی عظیم بیش از پیش آگاه می سازد .

موافق متن نامه 94 صفحه‌ای آقای آیت که در تاریخ سوم آذر ماه [قوس] 1342 به آقای مظفر بقائی رهبر حزب زحمتکشان نوشته است، عیوب حزب زحمتکشان و راههای برطرف کردن آنها را گوشزد می‌کند و علاوه بر آن برای رسیدن به قدرت کارهایی را که باید و نباید بکند برای آقای بقائی برمی‌شمرد و مهمتر از هر چیز دیگر بوی نشان می‌دهد که چگونه و بچه نحو از نیروی مذهب استفاده کند و در این رابطه تنفر خود را از مرحوم مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله زنجانی به طرق مختلف اظهار می‌دارد و غبطه می‌خورد که چرا آقای دکتر بقائی با وجودی که سابقه منفی که روحانیت از آن اطلاع داشته باشد، نداشته بلکه سابقه همکاری با آیت‌الله کاشانی و عنایت ایشان بوی از این زمینه مساعد استفاده نمی‌کند .

آیت به آقای بقائی گوشزد می‌کند که " مسأله مذهب و استفاده از نیروی عظیم مذهبی از مسایلی است که باید مورد توجه کامل حزب قرار گیرد(33) "...

پس از تشریح چگونگی استفاده از نیروهای مذهبی اظهار می‌دارد: " در مرامنامه حتماً باید بعضی از اموری که جنبه مذهبی دارد و موجب جلب افراد مذهبی می‌شود گنجانده شود و نیز به مذهب اسلام و قوانین مذهبی اشاره گردد تا ضمن این که عده‌ای بدینوسیله به ما می‌گروند، در آینده هم از حربه دین علیه ما استفاده‌ای نتوانند بکنند"(34)

در مورد مرحوم بازرگان و آیت‌الله حاج سید جوادی می‌گوید: " جنابعالی نه تنها سابقه منفی که روحانیت از آن اطلاع داشته باشد نداشتید بلکه سابقه همکاری جنابعالی با آیت‌الله کاشانی و عنایت ایشان نسبت به شما و شعار نصر من الله و فتح قریب که زیب شاهد بود و امثال آن زمینه مساعدی برای جنابعالی فراهم آورده بود (35) ". و شخصیت شما "گذشته از آن در تمام نهضت آزادی شخصیتی که حتی قابل مقایسه با جنابعالی باشد وجود نداشت . یعنی شخصیتی که از طرفی سابقه همکاری و همگامی با بزرگترین شخصیت سیاسی و مذهبی عصر حاضر ایران یعنی آیت‌الله کاشانی را داشته باشد و از سوی دیگر سابقه 14 سال مبارزه کوبنده و شکننده را دارا باشد و از جانب دیگر شخصیت بین‌المللی در ردیف آقای دکتر مصدق پیدا کرده باشد . نهضت آزادی فاقد چنین امتیاز بزرگی بود(36) " .

آیت در نامه خود به بقائی برای تبدیل حزب زحمتکشان به یک حزب طراز نوین و قوی برای به دست گرفتن قدرت و رهبری کشور، 20 پیشنهاد (37) که در اینجا چند نمونه آن آورده می‌شود به وی ارائه می‌دهد :

- ۱ - تبلیغات خارج از کشور را برای رسوخ در روحانیت و مردم وسعت دهیم .
- ۲ - یک هسته قوی مخفی تشکیل دهیم تا در صورت توقیف افراد شناخته شده، فعالیت متوقف نشود و بسیاری از کارهای ضروری که به نام حزب نمی‌شود انجام داد، آن تشکیلات مخفی انجام دهد .
- ۳ - در تعقیب پیشنهادهای قبلی در خصوص ایجاد یک جمعیت مذهبی در کنار حزب مجدداً پیشنهاد مزبور را تکرار می‌کنم .می‌توانیم هیأت‌های متعدد و مذهبی و غیره تشکیل دهیم و از آن طریق به مبارزات خود ادامه دهیم .
- ۴ - کلیه افراد حزب و به ویژه افرادی که در رأس قرار دارند از تظاهر به هر عملی که مغایر ظواهر سنن و شعائر مذهبی و ملی باشد خودداری شود .

نظر به این که دکتر حسن آیت نقش بزرگی در آوردن ولایت فقیه به مجلس خبرگان و تصویب آن داشت، بعضی ها کوشش کردند، وانمود کنند و بگویند: آیت از حزب زحمتکشان کناره گیری و به بقائی پشت کرده و راه و رسم

دیگری را در پی گرفته است. به شرحی که در قسمت چهارم این تحقیق خواهد آمد فاقد حقیقت است. در بخش سوم این نکته که خمینی و بقائی هر دو ضد دموکراسی هستند و معتقدند که رأس حکومت باید در دست یک فرد باشد مورد بحث قرار می گیرد.

محمد جعفری/27 خرداد1399/

نمایه و یادداشت:

- 14-پاریس و تحول انقلاب، چاپ اول ص281؛ به نقل از :اسناد لانه جاسوسی شماره23 ، ص.141-142
- 15-اسناد سخن می‌گویند، پژوهش و برگردان دکتر احمد علی رجائی میهن سروری (رجائی)، جلد دوم، سند شماره 322.
- 16توطئه ربودن و قتل سرلشکر افشار طوس رئیس شهربانی حکومت ملی، گردآورنده محمد ترکمان، چاپ اول 1363، ص 5 و 124 و برای اطلاع دقیقتر مطالعه اسناد گردآوری شده در این سند ضروری است.
- 17-زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقائی، حسین آبادیان، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ص.177
- 18-اسناد لانه جاسوسی، شماره23 ، ص.164
- 19-زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقائی، حسین آبادیان ص.267
- 20-تاریخ سیاسی معاصر، سیدجلال‌الدین مدنی، ج دوم آبان1362 ، ص . 49
- 21-همان سند، ص 49-50
- 22-همان سند، ج دوم آبان1362 ، 58.
- 23-همان سند، ج دوم آبان1362 ، ص 85 و 61.
- 24-برای اطلاع بیشتر در مورد بعضی از تحریفات تاریخ سیاسی معاصر به کتاب "تقابل دو خط" چاپ اول ص 162-176 و چاپ دوم 214-226 مراجعه کنید.
- 25-زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقائی، حسین آبادیان، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ص.172
- 26-همان سند.
- 27-[Muzaffar Baghai's Dilemma](#)
- 28-اسناد لانه جاسوسی، شماره23 ، ص.151-152
- 29-اسناد لانه جاسوسی، شماره23 ، ص.141-142
- 30-اسناد لانه جاسوسی، شماره23 ، ص.196-193
- 31-اسناد لانه جاسوسی، شماره23 ، ص. 186-187
- 32-زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقائی، حسین آبادیان ص266؛ گزارش ساواک19 و 20/3/1342
- 33-زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقائی، حسین آبادیان، مؤسسه مطالعات پژوهشهای سیاسی1377 ، چاپ اول، ص 509.
- 34-همان سند، ص.512
- 35-همان سند، ص525 - 523.
- 36-همان سند، ص 536 - 535.

37-آیت در خلال نامه 94 صفحه ای خو به بقائی جهت ایجاد حزبی نوین برای دست گرفتن قدرت 20 پیشنهاد به وی ارائه می دهد. برای مطالعه کامل این پیشنهاد ها به زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقائی ص 554-561 و برای خلاصه این 20 پیشنهاد به تقابل دو خط چاپ اول ص 124-127 و چاپ دوم ص 177-179 مراجعه کنید .